

اوباما: گوانتانامو را تعطیل می‌کنیم

رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر تاکید کرد که برای بستن زندان گوانتانامو با حمایت کنگره و یا در نهایت با صدور حکم اجرایی مصمم است. به نقل از خبرگزاری فرانسه، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در کنفرانس خبری پایان سال خود گفت: گوانتانامو همچنان یکی از آهنرباهای مهم برای جذب تروریست هاست. ما شاهد هستیم که چگونه از مسئله گوانتانامو استفاده می‌شود تا این فرضیه ایجاد شود که آمریکا در جنگ با اسلام است. وی افزود: پیش از آنکه برای بستن گوانتانامو حکم اجرایی صادر کنم منتظر می‌مانم تا کنگره رسماً پاسخ منفی خود را بدهد. البته قصد ندارم که به صورت اتوماتیک فرض کنم که پاسخ کنگره منفی است. هر از گاهی آنها شما را شگفت زده می‌کنند. رئیس‌جمهور آمریکا در بخش دیگری از سخنانش گفت که آمریکا برای ناچیز پنداشتن تلاش برای بازسازی لیبی مسئول است. وی تاکید کرد: ایالات متحد آمریکا تا حدودی برای ناکامی اقدام کافی برای لیبی و تضعیف آنچه برای بازسازی دولت این کشور لازم بود، مسئول است. اوباما همچنین به چالش‌هایی در راه متوقف کردن داعش اذعان کرد. وی گفت که حملات تروریستی انفرادی به یک چالش امنیتی جدید بدل شده است. با این حال وی آمریکایی‌ها را مطمئن ساخت که داعش را می‌توان شکست داد.

ترس از آینده



بهرام آموئیایی

وضعیت شکننده‌ی سیاسی در افغانستان، همزمان با گسترش فعالیت‌های تروریستی داعش در کشور، ترس از دست رفتن موقعیت و قدرت باقیمانده را میان این جمع بیشتر تولید کرده و سعی دارند به گونه‌ی تدابیر پیش‌دستانه و احتیاطی بگیرند. ورنه تکتک افراد شامل در "شورای حراست و ثبات" ثابت کرده اند که در صورت تامین منافع شخصی و گروهی‌شان، اگر کشور را آب هم ببرد، از سنگ صدا می‌آید، از آنها نه. به هر حال، در کنار تمام بیگانگی‌هایی که این افراد با منافع فرودستان دارند، دست‌کم یک نقطه‌ی مشترک میان آنها و مردم افغانستان وجود دارد و آن ترس از آینده‌ی است که بیگانه‌ها برای کشور می‌سازند.

صفحه‌ی ۲

مهم هفته

بانک آسیایی،

۲۲۷ میلیون دالر به افغانستان کمک کرد

به گزارش خبرگزاری جمهوری، موافقتنامه‌ی همکاری میان افغانستان و بانک انکشاف آسیایی به هدف تقویت زیربنای انرژی افغانستان به ارزش ۲۷۵ میلیون دالر به امضا رسید.

این موافقتنامه میان محمداکلیل حکیمی، وزیر مالیه و توماس پنیلا، رئیس بانک انکشاف آسیایی در افغانستان امضا شد. اکلیل حکیمی در جریان امضای موافقتنامه گفت که این همکاری برنامه‌ی عرضه‌ی انرژی حکومت را با بیش از ۱۰ میلیارد دالر هزینه تامین می‌کند و سبب رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود.

توماس پنیلا نیز گفت: انرژی ناکافی و عدم تعادل عرضه و تقاضا، فرصت‌های رشد و درآمد را محدود کرده و باعث موجودیت نابرابری‌های اقتصادی شده و سبب افزایش ناامنی و نارضایتی مردم گردیده است.

بر بنیاد این موافقت‌نامه، هزینه‌ی که روی آن توافق صورت گرفته از سوی بانک انکشاف آسیایی به هدف تقویت بخشیدن اتصال انرژی بین افغانستان و ترکمنستان به خاطر بهبود انرژی در کشور پرداخته خواهد شد.

پیش از این، بانک انکشاف آسیایی ۱.۲ میلیارد دالر را به خاطر بالا بردن ظرفیت انرژی، موثریت سکتور انرژی و پیشرفت در تجارت انرژی برای افغانستان منظور کرده بود.

روسیه و آمریکا از

طرح صلح سوریه استقبال کردند

روسیه و آمریکا به رغم اختلاف بر سر آینده‌ی بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، خود را متعهد به تشکیل دولت وحدت ملی در سوریه تا شش ماه آینده دانسته‌اند. شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء، طرح صلحی را به تصویب رساند که مطابق آن جدول زمانی برگزاری انتخابات تحت نظارت سازمان ملل متحد تا ۱۸ ماه آینده تعیین شده است.

جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا از این قطعنامه استقبال کرده و گفته است که این توافق، تروریست‌ها را منزوی کرده و راه‌گذار سیاسی را هموار می‌کند.

سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه‌ی روسیه هم رسیدن به یک توافق برای تشکیل دولت وحدت ملی در شش ماه را امکان‌پذیر خوانده است.

قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد، تاکید کرده که مردم سوریه باید در مورد آینده‌ی کشور خود تصمیم بگیرند.

قطعنامه‌ی تصویب شده در شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهان برقراری آتش بس سراسری در سوریه شده است.

طبق این قطعنامه، گروه‌های شورشی مانند گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) و جبهه‌ی نصرت که به القاعده وابسته است، گروه‌های تروریستی قلمداد شده و در روند صلح جایی نخواهند داشت.

اشرف غنی: حتی یک قرارداد داخلی هم

مطابق اصول نبوده است

توانایی مصرف ۵۰ تا ۶۰ درصد بودجه‌ی سالانه خود را داشته، تاکید کرد که انجام اصلاحات ساختاری در این وزارت ضروری و حتمی است.

به باور آقای غنی، علاوه بر بوروکراسی و عدم نظارت کافی در نهادهای پولیس، جنگ هم باعث شده که روند اصلاحات در این نهادها به کندی به پیش برود.

رئیس‌جمهور افغانستان افزود که چنین وضعیتی در نهادهای پولیس باعث می‌شود که قربانی‌هایی که این نیروها می‌دهند، "بی‌اثر" شود.

از سوی دیگر، به گفته‌ی آقای غنی، بیش از ۲۰ هزار مامور پولیس افغانستان آموزش مناسب ندیده‌اند، در حالی که به باور او، این امر موضوعی بنیادی برای کاهش تلفات پولیس است. سرفرمانده کل نیروهای مسلح افغانستان به وزارت داخله فرصت داد که اصلاحات لازم را در جریان زمستان پیش رو انجام دهد و تا سال آینده هیچ کاری که در آن قانون نقض شود، قابل قبول نخواهد بود.

او با تاکید بر این که "نظام کاغذپزانی فعلی مورد قبول ما نیست" و "درد اساسی ما اصلاحات ساختاری است"، گفت که سیستم نظارت و بازرسی باید بهبود یابد. در گذشته هم گزارش‌های زیادی در مورد وجود فساد در نهادهای پولیس افغانستان منتشر شده است.

دفتر بازرسی کل آمریکا برای بازسازی افغانستان پارسال براساس تحقیقی اعلام کرد که اطمینانی وجود ندارد که کمک سالانه‌ی ۳۰۰ میلیون دالری آمریکا برای پرداخت حقوق نیروهای پولیس به صورت درست و کامل به آن‌ها برسد.

اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان گفته که بوروکراسی و عدم نظارت بر قراردادهای باعث عدم شفافیت در کار نهادهای پولیس شده است.

آقای غنی دیروز در مراسم گشایش ساختمان جدید وزارت داخله گفت که مدیریت مالی این نهادها در گذشته "مشکلات عظیمی داشته است".

رئیس‌جمهور افغانستان افزود: "[حتی] یک قرارداد سال‌های گذشته وزارت داخله نبوده که مطابق اصول قرارداد باشد". او افزود که یک سال کامل را صرف "پاک کردن" این قراردادها کرده است.

آقای غنی به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح افغانستان گفت که بوروکراسی و عدم نظارت درست بر قراردادهای وزارت داخله باعث شده که حتی کیفیت غذای نیروهای پولیس کاهش یابد.

به گفته‌ی او، مقدار کالری غذای نیروهای پولیس در مقایسه با غذای نیروهای ویژه‌ی آمریکا، ۳۰۰ کالری بیشتر دارد، اما به دلیل عدم نظارت درست بر قراردادهای وزارت داخله، نیروهای پولیس نسبت به کیفیت غذای خود شکایت دارند.

مثال دیگری که رئیس‌جمهور افغانستان در این مورد گفت، این بود که به گفته‌ی او، خانواده شهدای پولیس حتی تا یک سال هم نمی‌توانند که وثیقه‌ی شهادت آن‌ها را ترتیب دهند.

آقای غنی گفت: "امروز باید اعتراف کنیم که قرارداد ما یک جانبه است. ما از قوای امنیتی و دفاعی خود سربازاری، شجاعت، دلیری و شهادت می‌خواهیم، اما در بدل ما کار خود را انجام ندادیم".

او با اشاره به این که در سال‌های گذشته وزارت داخله تنها

منبع: نشنال اینترست / مترجم: حسین هوشمند

نویسنده: متیو دال سانتو

چرا ولادیمیر پوتین محبوب است؟



مرکز مستقل روسی لوادا شواهد کمی از اعتراضات مردمی را نشان می‌دهد. برعکس کرملین، یکی از سه نهادی است که روس‌ها به آن اعتماد زیادی دارند. ارتش ۶۴ درصد و کلیسا و دیگر سازمان‌های مذهبی ۵۳ درصد (۸۰ درصد مردم گفته‌اند که "اعتماد کامل" به پوتین دارند).

چگونه می‌توان این مساله را درک کرد؟ جریان اصلی رسانه‌های غربی محبوبیت پوتین را نتیجه‌ی "شستشوی مغزی" تلویزیون دولتی روسیه می‌دانند. اما چنین دیدگاهی یک طرفه‌ی بی‌ممکن است رابطه...

ولادیمیر پوتین به لحاظ سیاسی کاملن نمونه‌ی یک فرد احیاشده است. وقتی چهار سال پیش معترضان در خیابان‌های مسکو جمع شدند و به بازگشت وی به ریاست جمهوری اعتراض می‌کردند و بسیاری در غرب از پایان وی سخن گفتند، با این حال ۳ دسامبر پوتین بار دیگر سخنرانی سالانه‌اش به عنوان رئیس‌جمهور را انجام داد و به طرز فوق‌العاده‌ی هم محبوب است. حتی امروز، تحلیلگران غربی اغلب می‌گویند، آینده را می‌بینند و آینده مربوط به پوتین نیست. اما بررسی صورت گرفته توسط

صفحه‌ی ۳

گپ مردم



مهره‌های درشت فساد را هدف بگیرید!

مبارزه با فساد یکی از شعارهای اصلی اشرف غنی در جریان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری بود. هنگامیکه او در مراسم سوگند وفاداری‌اش دادگاه عالی افغانستان را لانه‌ی فساد خواند و از جدیت مبارزه با این پدیده خبر داد، برخی‌ها تصور می‌کردند که غنی واقعن قصد و اراده‌ی شاخ و شانه‌کشیدن با فسادپیشه‌های قدرتمند را دارد. اما او از همان آغاز کار این امیدواری را به یأس تبدیل کرد و اقدام‌های بعدی‌اش نشان داد که از توانایی و ظرفیت بلندی در مدیریت مبارزه با فساد برخوردار نیست. وقتی آقای غنی، عمر زاخیلوال، وزیر مالیه‌ی پیشین را که متهم به فساد مالی است، به عنوان مشاور اقتصادی‌اش تعیین کرد، مردم نسبت به شعارهای پرطمطراق او در جریان کمپاین انتخاباتی‌اش به دیده‌ی شک نگریستند و اندک اندک با اقدامات بعدی غنی روشن شد که نباید امید چندانی به برنامه‌ی فسادزدایی او داشت.

تاکتیک مبارزاتی غنی نه تنها که فاقد موثریت است، بلکه پرونده‌های فساد را پیچیده‌تر کرده و سبب فسادهای تازه‌تر شده است.

رسوایی شهرک هوشمند که بسیاری‌ها آنرا به طنز "مبارزه علیه فساد به سبک غنی" خواندند، بهترین مثال این ادعا است. اشرف غنی می‌خواست با رهایی خلیل‌الله فروزی، یکی از مجرمان پرونده‌ی کابل‌بانک، از زندان، به هدف سرمایه‌گذاری روی شهرک یادشده، وام‌های دولت را از او بستاند که اعتراض گسترده‌ی افکار عامه غنی را مجبور کرد تا قرارداد شهرک هوشمند را لغو کند. اما مجازات مقامهایی که در این "ابتکار" دست داشتند تنها به تعلیق‌درآوردن وظیفه‌ی عبدالعلی محمدی، مشاور حقوقی رئیس جمهور فشرده شد و سعی کردند قضیه را به همین سادگی تمام‌شده اعلام کنند.

در حالیکه در قضیه‌ی شهرک هوشمند افزون بر آقای محمدی، مقامهای ارشد دولتی از جمله احمد ضیاء مسعود، نماینده‌ی فوق العاده‌ی رئیس جمهور در امور اصلاحات و حکومت‌داری خوب و سید سعادت منصور نادری، وزیر امور شهرسازی نیز دخیل بودند که به گفته‌ی محمدی زور حکومت به آنها نمی‌رسد.

پرونده‌ی فساد کابل‌بانک با آغاز "حکومت وحدت ملی" بازگشایی شد و اشرف غنی با این کار سعی کرد جدیت‌اش را در عرصه‌ی مبارزه با فساد در عمل به مردم و جامعه‌ی جهانی نشان دهد. اما نتایج بررسی‌ها و حکم دادگاه چندان تعجب‌آور نبود و همان‌هایی مجازات شدند که پیش از روی کار آمدن حکومت غنی-عبدالله نیز از سوی دادگاه مجرم شناخته شده بودند. در حالیکه پرونده‌ی فساد کابل‌بانک تنها به این افراد محدود نیست و دست‌های قدرتمندتری در آن دخیل اند که "حکومت وحدت ملی" ریسک مقابله با آنها را به جان نمی‌خرد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که اشرف غنی تا هنوز کار بزرگ و امیدوارکننده‌ی در زمینه‌ی مبارزه با فساد در کشور نکرده است. در کارزار فسادزدایی حکومت غنی، صرف مهره‌های کوچک فساد که از پشتیبانی سیاسی قوی برخوردار نیستند، هدف قرار گرفته و عوامل اصلی همچنان مصون باقی مانده اند. غنی یا نمی‌خواهد یا آنها درگیر شود یا هم توان رویارویی با آنان را در خود نمی‌بیند؛ از این نظر مجبور است تا راه معامله با فسادپیشه‌ها را در پیش بگیرد.

فساد در حکومت غنی-عبدالله به حدی گسترش یافته که حتا سبب خشم و اعتراض حشمت غنی احمدزی، برادر اشرف غنی شده است. او اطرافیان رئیس جمهور را به فساد متهم کرده و از برادرش خواسته است که اگر نیت صادقانه‌ی در مبارزه با فساد دارد، نخست آنها را مجازات کند.

اشرف غنی در صورتی می‌تواند اعتماد ازدست‌رفته‌ی مردم بر حکومت‌اش را اعاده کند که به جای نمایش‌های مسخره، مهره‌های درشت فساد را هدف بگیرد تا هم مردم روی قصد و اراده‌ی واقعی او حساب کنند و هم مافیای فساد مدیریت کارا و موثر او را جدی بگیرد و از آن حذر کند.

"شورای حراست و ثبات"،

ترس از آینده

دارد نگرهار را به پایتخت فرماندهی خود در خراسان(یکی از ایالت‌های فرضی خلافت خودخوانده‌ی دولت اسلامی یا داعش)تبدیل کند. به تازگی، خبری در مورد راه‌اندازی یک ایستگاه رادیویی از سوی داعش در این ولایت نیز نشر شده است.

داعش با گسترش فعالیت‌هایش در شرق و جنوب کشور ترس و اهمه‌ی بسیاری در میان سیاستگران و مردم عادی پدید آورده و با وجودی که نهادهای امنیتی حکومت غنی-عبدالله مدعی مبارزه با این گروه تروریستی هستند، مردم و سیاستگران بیرون از دولت اعتمادی به این ادعاها ندارند. اتهام‌های اخیر بر حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اشرف غنی و معصوم استانکزی، سرپرست وزارت دفاع مبنی بر پشتیبانی آنها از دولت اسلامی یا داعش، روی بسیاری از سیاستگران تاثیر بدی بجا گذاشته و از گفته‌های رهبران جهادی نیز چنین بر می‌آید که اعتماد آنها به حکومت غنی-عبدالله زایل شده و به این دلیل سعی می‌کنند تا خود وارد عمل شده و ابتکار مقابله با داعش را به دوش بگیرند.

انتقاد از روند صلح

عبدالرب رسول سیاف و عمر داوودزی، وزیر پیشین امور داخله از روند کنونی صلح به شدت انتقاد کردند و تلاش‌های اخیر اشرف غنی در پیوند به گفتگوهای صلح با طالبان را گنگ و مبهم خواندند که ره به جایی نمی‌برد. سیاف گفت: "در روند صلح تاکنون مشخص نیست که طرف مذاکره‌ی دولت چه کسی است و معلوم نیست که نزاع بر سر چیست؟"

داوودزی، با انتقاد تند از رویکرد کنونی اشرف غنی به پاکستان گفت: "در زمان آغاز به کار دولت وحدت ملی نیز گفته بودم که رئیس جمهور غنی از گدایی‌کردن صلح از پاکستان دست بردار، زیرا این راه که می‌روی قبلن آزموده شده و راه به ترکستان است، ولی اکنون می‌گویم که این راه که تو برای صلح می‌روی به گورستان است."

گفتگوهای صلح غنی با پاکستان و طالبان منتقدان زیادی دارد و کمتر کسانی در افغانستان که قضایا را با چشم و گوش باز زیر نظر دارند، نسبت به آن خوشبین اند. اما آنچه از انتقادهای سیاف و داوودزی می‌توان دانست این است که اشرف غنی

در تلاش‌هایش برای بهسازی روابط با پاکستان و کشاندن طالبان به میز گفتگوهای مستقیم، بی‌باکانه عمل می‌کند و نیازی نمی‌بیند که با منتقدانش در این زمینه مشوره کند؛ کاری که نخبگان بیرون از دولت آنرا ارزش‌قایل‌نشدن به دیدگاه‌های‌شان و دست کم‌گرفتن خود از سوی حکومت می‌دانند. سیاف بارها از به‌حاشیه‌رانده‌شدن نیروهای مجاهدین توسط سران حکومتی انتقاد کرده و با استفاده از هر فرصتی سعی کرده ثابت کند که اگر "برکت تفنگ مجاهدین" نبود، افغانستان این گونه خوشبخت و سر حال باقی نمی‌ماند!

باری، "شورای حراست و ثبات" تازه روی کار آمده و هنوز روشن نیست چقدر می‌تواند به وعده‌های کلانی که به مردم داده است عمل کند. اما تجربه‌ی شورش‌سازی‌ها و جبهه‌بندی‌های سیاسی در افغانستان در کل امیدوارکننده نبوده و شکنندگی این حرکت‌ها از همان آغاز برملا شده است.

از صحبت‌های عبدالهادی ارغندیوال، وزیر پیشین اقتصاد و یکی دیگر از مؤسسان "شورای حراست و ثبات" چنین به نظر می‌رسد که او از حالا نگران آینده‌ی شورا است و به همین دلیل هوشدار داد که "نه خود ما در فساد آغشته می‌شویم و نه کس دیگری را اجازه می‌دهیم که فساد کند... اگر این تعهدات را نداشته باشیم، من در برابر شما اعلان می‌کنم که جزء شورا نخواهیم بود."

نگرانی ارغندیوال از این جهت بجا است که در گذشته بیشتر شوراهای جبهه‌های سیاسی در کشور به هدف دستیابی به امتیاز سیاسی از سوی شماری از حلقات ساخته شده و هنگامیکه حکومت به دادن یک چنین امتیازی راضی گردیده است، شوراهای مذکور نیز محکوم به فروپاشی شده اند. با توجه به همین تجربه‌ی منفی بود که مؤسسان "شورای حراست و ثبات" سعی کردند نشان دهند که هدف از تشکیل این شورا رسیدن به پُست و مقام در حکومت نیست. بااینحال، سایه‌ی بی‌اعتمادی روی "شورای حراست و ثبات" حاکم است و به مرور زمان روشن خواهد شد که یابرداری این شورا چقدر است.

گفتگوهای صلح غنی با پاکستان و طالبان منتقدان زیادی دارد و کمتر کسانی در افغانستان که قضایا را با چشم و گوش باز زیر نظر دارند، نسبت به آن خوشبین اند. اما آنچه از انتقادهای سیاف و داوودزی می‌توان دانست این است که اشرف غنی در تلاش‌هایش برای بهسازی روابط با پاکستان و کشاندن طالبان به میز گفتگوهای مستقیم، بی‌باکانه عمل می‌کند و نیازی نمی‌بیند که با منتقدانش در این زمینه مشوره کند؛ کاری که نخبگان بیرون از دولت آنرا ارزش‌قایل‌نشدن به دیدگاه‌های‌شان و دست کم‌گرفتن خود از سوی حکومت می‌دانند. سیاف بارها از به حاشیه‌رانده‌شدن نیروهای مجاهدین توسط سران حکومتی انتقاد کرده و با استفاده از هر فرصتی سعی کرده ثابت کند که اگر "برکت تفنگ مجاهدین" نبود، افغانستان این گونه خوشبخت و سر حال باقی نمی‌ماند!

باری، "شورای حراست و ثبات" تازه روی کار آمده و هنوز روشن نیست چقدر می‌تواند به وعده‌های کلانی که به مردم داده است عمل کند. اما تجربه‌ی شورش‌سازی‌ها و جبهه‌بندی‌های سیاسی در افغانستان در کل امیدوارکننده نبوده و شکنندگی این حرکت‌ها از همان آغاز برملا شده است.

چرا ولادیمیر پوتین...؟

میان قدرت و افکار عمومی را نشان ندهد. قابل ذکر است که تنها ۳۴ درصد از روس‌ها به رسانه‌ها اعتماد دارند.

تئوری "شستشوی مغزی" همچنین یکی از مهمترین ویژگی‌های روسیه معاصر را نادیده گرفته است: برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، سیاست‌های دولت بازتاب دهنده‌ی تمایلات و نظرات اکثریت محافظه کار روس‌ها به جای غرب‌گرایان، نئولیبرال‌ها و یا هم مارکسیست‌های روسیه است.

مرکز لوادا از سال ۱۹۹۶ از روس‌ها درباره‌ی این که از روسای جمهورشان چه می‌خواهند، بررسی انجام می‌دهد. انتظارات آن‌ها تغییر کمی داشته است. در سال ۲۰۱۲ (حتا قبل از به وجود آمدن بحران اوکراین) چهار اولویت مهم روس‌ها این گونه بوده است: بازگشت جایگاه "قدرت بزرگ" روسیه (۵۷ درصد در مقابل ۵۴ درصد در سال ۱۹۹۶)، قانون و نظم (۵۲ درصد در مقابل ۵۸ درصد)، توزیع عادلانه‌ی ثروت ملی (۴۹ درصد در مقابل ۳۷ درصد) و افزایش نقش دولت در اقتصاد (۳۷ درصد تغییری نکرده است).

چنین تمایلاتی بازتاب دهنده‌ی ادامه‌ی نوستالژی سیستم شوروی و نارضایتی از مسیر غرب‌گرایی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. در سال ۲۰۱۲ تنها یک اقلیت (۱۶ درصد در مقابل ۱۳ درصد در سال ۱۹۹۶) معتقد بودند که روسیه باید اصلاحات لیبرال دوره‌ی یلستین را ادامه دهد.

امروز ۷۰ درصد از روس‌ها می‌گویند، به کشورشان افتخار می‌کنند، این میزان یک دهه پیش کمتر از نصف بود. به ویژه از سال ۲۰۱۴، ۶۸ درصد از روس‌ها معتقدند که کشورشان جایگاه قدرت بزرگ بودن را مجددن به دست آورده است. حمایت قاطع از "خرید کالای روسی" وقتی به مواد غذایی (۹۱ درصد) می‌رسد، اجماع بر جایگزینی واردات(پاسخ خودخواسته به تحریم‌های غرب) به عنوان کمکی دیرنگام به صنعت روسیه و به ویژه کشاورزان است.

البته انطباق سیاست‌های دولت با افکار عمومی روسیه را تبدیل به دموکراسی نمی‌کند. اما چنین نظرسنجی‌هایی در غرب به عنوان نشانه‌یی از دموکراسی عمل می‌کند، چرا در روسیه این گونه نباشد؟

کمیسیون حقوق بشر: مهاجرین داخلی افزایش و

بازگشت دواطلبانه کاهش یافته‌است

درصد از مناطق مرکزی، ۱۶ درصد از ولایت شرقی و ۱۰٫۷ درصد نیز از ولایتهای شمالی افغانستان هستند.

به گفته‌ی رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان این مهاجرین در اردوگاه‌هایی زندگی می‌کنند که از امکانات اولیه همانند آب آشامیدنی، بهداشت و بهداشت محیط برخوردار نیستند.

خانم سمر بیکاری و عدم ارائه خدمات لازم به زنان را از مشکلات دیگر این اردوگاهها ذکر کرد. به گفته‌ی او هیچ مکانیسمی برای حمایت از حقوق این افراد نیز وجود ندارد.

به گفته‌ی او مهاجرین افغان از کشورهای ایران و پاکستان به صورت اجباری و بدون اطلاع قبلی اخراج می‌شوند، علاوه بر آن در ایران مهاجرین در زمان اخراج به اردوگاه‌ها

سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد که براساس ارزیابی این نهاد میزان مهاجرین داخلی در افغانستان افزایش یافته و شمار کسانی که به صورت داوطلبانه از کشورهای ایران و پاکستان به افغانستان برمی‌گردند، به شدت کاهش یافته‌اند.

او گفت که شمار مهاجرین داخلی افغانستان در سال ۲۰۰۹ میلادی ۲۶۸ هزار نفر بود، حال آن که در سال جاری میلادی شمار بیجاشدگان داخلی به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده که نسبت به سال ۲۰۰۹ پنج برابر و بیشتر از ۴ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند.

خانم سمر افزود ۲۲٫۸ درصد از مهاجرین داخلی از ولایت‌های جنوبی، ۲۲٫۷ درصد از مناطق غربی، ۱۷٫۹

ایگور اوکونف، معاون موسسه‌ی روابط بین‌الملل مسکو معتقد است که در سیاست خارجی و اقتصادی، دولت‌های روسیه پس از فروپاشی شوروی، هیچ وقت همانند امروز نزدیک به دیدگاه‌های اکثریت نبوده‌اند. وی می‌گوید: "از لحاظ تاریخی دولت‌های روسیه به جز گورباچف و یلستین، همیشه لیبرال‌تر از مردم روسیه بوده‌اند. من فکر می‌کنم پوتین این مسئله را قبول دارد و آن را به عنوان مبنایی برای جلب حمایت از خودش استفاده می‌کند. این استراتژی وی از زمان اعتراضات سال ۲۰۱۱ بوده است. زمانی که تصمیم گرفت اقلیت لیبرال را رها کند و به آغوش اکثریت محافظه کار برود."

میخائیل رمیزوف، مدیر موسسه‌ی استراتژی ملی روسیه می‌گوید: "دموکراسی روسیه باید با محافظه کاری، پوپولیست، ناسیونالیست و طرفدار حمایت از صنایع داخلی‌بودن شناخته شود. تا سال ۲۰۱۲ قدرت واقعی در دستان نخبگان نئولیبرالی که از سال ۱۹۹۰ کشور را اداره می‌کردند، باقی مانده بود. این مسئله هم اکنون تغییر کرده است. پوتین به اشتباه یک ناسیونالیست شناخته می‌شود. در فضای روسی وی یک پادشاه است. اما به صورت کلی برنامه‌ی کاری کرملین برخلاف دهه‌ی ۲۰۰۰ است و اکثریت محافظه کار میهن پرست را نمایندگی می‌کند."

منتقل، با آنان بدرفتاری و حتا شکنجه می‌شوند که خلاف کرامت انسانی است.

خانم سمر گفت که در سال ۱۳۹۳ خورشیدی ۲۱۶ هزار مهاجر افغانستان از ایران به زور اخراج شدند و در چهار ماه سال ۱۳۹۴ نیز ۶۸ مهاجر به اجبار از ایران اخراج شده‌اند.

او گفت که از این تعداد ۲۴ درصد از زاهدان، ۱۲ درصد از کرمان، ۹ درصد از بندرعباس، ۷ درصد از یزد و ۶ درصد از شیراز به صورت اجباری اخراج شده‌اند. به گفته‌ی او به این افراد حتا فرصت تصفیه‌ی حساب با کارفرمایان شان داده نشده و ۹۹ درصد از مهاجرینی که از ایران برگشته‌اند بدون آگاهی قبلی و بزور اخراج شده‌اند. ۲۵ درصد آنان گفته‌اند که قادر به انتقال دارایی خود از ایران نشده‌اند.

سیمای "دولت وحدت ملی"...

"حکومت وحدت ملی" وجود دارد، در می‌یابیم که این حکومت نیز مظهر اراده‌ی عمومی نیست، بلکه "کمیته‌ی اجرایی طبقه‌ی حاکمه" است.

از آنجایی که از یک سو، "حکومت وحدت ملی" مشروعیت‌اش را از مردم افغانستان بدست نیاورده، مجلس نمایندگان نیز موعد دوره‌ی خدمت پنج ساله‌اش به پایان رسیده است و قوه‌ی قضائیه نیز توسط سرپرست اداره می‌شود، مشروعیت دولت فعلی افغانستان زیر سوال رفته است. از سوی دیگر، ضعف نیروهای امنیتی، عدم اعتماد اجتماعی-سیاسی، کاهش رضایت مردم از دولت، نقض قانون توسط خود حاکمان،

همبستگی سیاسی نامتجانس میان رهبران حکومت، ضعف اقتصادی، افزایش بیکاری، کاهش درآمد سرانه‌ی ملی، همه و همه بیانگر بی‌ثباتی وجوه "حکومت وحدت ملی" است. در این صورت، اگر دولت، برای ثبات و نظم اجتماعی وضعیت موجود اقدام نکند و برای بهبود وضعیت صادقانه و بابرنامه پیش نرود، از این بیشتر دوام نخواهد یافت.

منابع:

۱. هابز، توماس (۱۳۸۷)، لویاتان، ترجمه‌ی حسین بشیریه، چاپ پنجم، تهران: نی
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، چاپ ششم، تهران: نگاه معاصر

برگی از تاریخ

پاکستان، "بچه‌ی بد" در جنوب آسیا

"پاکستان از مدت‌ها پیش در داخل دولت امریکا "بچه‌ی بد" جنوب آسیا تلقی شده است. تلاش‌های پاکستان برای توسعه‌ی سلاح‌های اتمی و موشک‌های بالستیک دوربرد، یکی از عوامل آزدگی سیاسی بین دو کشور از دهه‌ی ۱۹۸۰ بوده است. دولت پاکستان از مدت‌ها پیش ستیزه‌جویان مسلمان کشمیر را در جنگ‌های چریکی‌شان علیه هند مورد حمایت قرار داده است. شبه‌نظامیان کشمیری از سوی پاکستان جنگ‌جویان راه آزادی خوانده شده است، در حالی که دولت امریکا آن‌ها را تروریست به شمار می‌آورد. در ارتباط با رویدادهای افغانستان، بین اپریل ۱۹۹۲ و سپتامبر ۲۰۰۱(حمل ۱۳۷۱ تا سنبله‌ی ۱۳۸۰)، پاکستان ابتدا بنیادگرایان مجاهدین و سپس طالبان را مورد حمایت قرار داد تا کنترل این کشور را به دست آورد، و به این ترتیب اسلام‌آباد بیش‌تر نقش یک دردرساز و خطر برای صلح و ثبات در منطقه را به خود گرفت. با این حال، پاکستان ثابت کرده است که مهم‌ترین متحد ما در جنگ علیه تروریزم است.

پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، دولت پاکستان با تصمیم دشواری روبه‌رو شد: این که با امریکا در جنگ علیه تروریزم همکاری کند یا در جنگ پیش‌رو جایگاه یک دشمن را پیدا کند. اسلام‌آباد تصمیم گرفت که در جانب امریکا قرار گیرد. آ.ی. اس. آ.ی یا سازمان استخبارات ارتش پاکستان ثابت کرده است که در کمک به سی. آی. ای در دست‌گیری صدها تن از افراد القاعده در این کشور، یک همکار موثر بوده است. خالد شیخ محمد، طراح اصلی حملات یازدهم سپتامبر و ارشدترین مقام القاعده که تاکنون دستگیر شده، نمونه‌یی از همین موارد همکاری است. این همکاری‌ها امروزه هم ادامه دارد، ولی دولت پاکستان، از این بابت هزینه‌ی سیاسی بالایی را در داخل می‌پردازد.

آ.ی. اس. آی طی دهه‌ی ۱۹۸۰م و اوایل ۱۹۹۰ زمینه‌های آموزش ستیزه‌جویان کشمیری و طرف‌داران پاکستانی آن‌ها راه، در کنار داوطلبان خارجی که می‌خواستند در جهاد علیه شوروی‌ها سهم بگیرند، در اردوگاه‌های آموزشی در داخل افغانستان فراهم کرد. بسیاری از این خارجی‌ها، اعضای القاعده بودند و روابط دوستانه و انگیزه‌ی مشترک بین کسانی که در کنار یک دیگر مشغول آموزش نظامی بودند، شکل گرفت. اوایل ۲۰۰۲ هرگاه در پاکستان حمله‌یی علیه مواضع امن القاعده انجام شده، روشن شده که اعضای القاعده از سوی ستیزه‌جویان پاکستانی، مانند لشکر طیبه و جیش محمد که از شورشیان کشمیری طرف‌داری می‌کنند، میزبانی می‌شوند. این گروه‌ها عمیقن از همکاری دولت پاکستان با امریکا رنجیده‌خاطر اند و به همین دلیل آشکارا پرویز مشرف، رئیس جمهور را مورد انتقاد قرار می‌دهند.

دولت و ارتش پاکستان با توجه به فشار شبه‌نظامیان داخلی، تا اواخر تابستان ۲۰۰۴ از خود تمایلی نشان نمی‌داد تا علیه القاعده و دیگر ستیزه‌جویان خارجی که در این مناطق مخفی شده بودند، دست به کاری بزنند. این مناطق بیش از هر مکانی در این کشور از نظر مذهبی محافظه‌کار به شمار می‌رود و در هزاران مدرسه‌ی آن، برای شاگردان، تندرانه‌ترین برداشت دینی از اسلام ارائه می‌شود. نیروهای نظامی پاکستان تحت فشار شدید دولت امریکا به مناطق قبایلی وزیرستان در جنوب پشاور اعزام شده، اما با مقاومت مسلحانه‌ی نیرومند و تلفات سنگینی روبه‌رو شده‌اند. تنها نتیجه‌ی اقدامات نظامی فشارهای بیش‌تر سیاسی بر پرویز مشرف و ارتش پاکستان بوده است.

مهم‌ترین کار باقی‌مانده در جنگ علیه تروریزم، تمرکز بر مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان است. شیوه‌ی کنونی عملیات و ساختار نیروهای ارتش امریکا و سی. آی. ای در این نواحی برای جنگ علیه دشمن که در کوه‌ها مخفی شده، موثر نیست. در این استراتژی باید تجدید نظر شود و واحدهای نیروهای ویژه‌ی ارتش امریکا و افراد شبه‌نظامی سی. آی. ای باید به منطقه باز گردند. در همین حال، سیاست امریکا درباره‌ی پاکستان باید با هدف تقویت دولت این کشور و رهبری نظامی آن، بازبینی و برای نابودی پایگاه‌های تروریست‌ها و مخفیگاه‌های آن در مناطق قبایلی فشار بیش‌تری وارد شود."

منبع: مأموریت سقوط، نوشته‌ی گری سی. شرون، ترجمه‌ی اسدالله شفاپی، چاپ دوم- ۱۳۹۱، کابل: مرکز مطالعات صلح و توسعه، صص ۳۹۹- ۴۰۲

جنایت کاران جنگی باید محاکمه شوند!

کهم... شکریه فروغ

یکی از دست‌آوردهای رژیم کرزی، شکل‌گیری نهادهای حقوق بشری در افغانستان بود. بعد از شکل‌گیری حکومت موقت، تعهدات در کنفرانس بن و حضور نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر در افغانستان، ذهنیتی را تداعی می‌کرد که گویا به زودترین فرصت، جنایت کاران جنگی و ضد بشری در افغانستان به محکمه‌های بین‌المللی سپرده خواهند شد و دست‌های شان از سر مردمان این دیار کوتاه خواهند شد.

در دوران حکومت پساتالبان، نه تنها وضعیت حقوق بشر در افغانستان بهبود نیافت و جنایت کاران جنگی دادگاهی نشدند، بلکه مردم شاهد حضور پررنگ آنان بر اریکه‌ی قدرت نیز بودند. در سیزده سال گذشته، مردم افغانستان نه تنها از سوی گروه مخالفان مسلح، نیروهای خارجی، اردوی ملی از بین رفته اند، بلکه از سوی گروه‌های مسلح غیرمسوول و زورگویان محلی نیز مورد حمله، شکنجه و کشتار قرار گرفته اند.

این زورگویان محلی، که در قدیم برای مبارزه علیه قشون سرخ می‌جنگیدند، دیپوهای اسلحه را برای مبارزه بدست آورده بودند که هنوز هم آن دیپوها را در دست دارند. جنایت‌کارانی که سال‌ها نظر به نوعیت دولت، تغییر چهره داده اند، هنوز هم همانند گذشته حاکمیت شان را حفظ کرده اند. دولت‌نه‌تنها قادر به خلع سلاح آنان نیست، بلکه در خیلی موارد با آنان تیبانی نیز دارد. اگر واقعین دولت می‌خواهد، جنایت کاران جنگی را به کیفر اعمال شان برساند، امر نشر گزارشی را که تحت عنوان عدالت انتقالی از سوی کمیسیون حقوق بشر ترتیب شده است، بدهد.

بعد از حاکمیت کرزی، دیده می‌شود که "حکومت وحدت ملی" نیز خواهان به کیفر رساندن ناقضان حقوق بشر که در چهل سال گذشته شهروندان افغانستان را زیر نام‌های مختلف به جوخه‌های مرگ فرستاده اند، نیست. از آنجایی که وزارت امور خارجه دولت افغانستان، آگاهانه نخواست گروه تحقیقاتی و نمایندگان دادگاه بین‌المللی جنایی "ICC" برای بررسی یک صد و دوازده مورد شکایتی که از سوی نهادهای حقوق بشری و مردم افغانستان درباره‌ی ارتکاب جرایم جنگی دریافت کرده اند، وارد افغانستان شوند، معلوم می‌شود که "حکومت وحدت ملی" نیز نمی‌خواهد جنایت کاران جنگی و ضدبشری به پنجه‌ی قانون سپرده شود و عدالت تامین گردد.

جنایت‌های جنگی‌ای که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته است، از سوی دولت افغانستان پیگیری نشده است. نظر به گزارش سالانه‌ی حقوق بشر، شمار گشته‌شده‌گان ملکی در سال ۱۳۹۱، ۲۱۶۷ تن، در سال ۱۳۹۲، ۲۲۸۴ تن و در سال ۱۳۹۳، ۲۸۹۹ تن محاسبه شده است. این خشونت‌ها شامل ترورهای هدفمند، قتل‌های ناموسی و سربریدن‌ها است. دولت افغانستان به خیلی از این پرونده‌ها رسیدگی نتوانسته/نکرده است. لذا، نیاز است تا دادگاه لاهه برای رسیدگی به این پرونده‌ها اقدام کند و جنایت کاران را به دست عدالت و قانون بسپارد.

سازمان انکشاف حقوق بشر افغانستان و گروه هماهنگی عدالت انتقالی از جمله‌ی نهادها و موسساتی هستند که از وزارت خارجه انتقاد کرده و خواسته اند که به درخواست‌های اعضای دادگاه بین‌المللی جنایی مبنی بر صدور ویزه و فراهم کردن تسهیلات سفر آنان به افغانستان پاسخ مثبت دهد، تا این دادگاه به پرونده‌های جنایت‌های جنگی و شکایت‌ها رسیده‌گی کند.

دولت افغانستان در اثر تلاش‌های "مجمع متخصصین افغانستانی" (پامر) بتاريخ ۱۰ فیروزی ۲۰۰۳ مطابق ۱۰ دلو ۱۳۸۱ ه.ش اصولنامه‌ی روم را به امضا رساند. محکمه‌ی جزایی بین‌المللی بعد از همین تاریخ برنامه‌های عملی‌اش را شروع کرد. این اصولنامه‌ی روم مصوبی است که در جولای ۱۹۹۸م توسط کنفرانس کشورهای عضو امضا و به تصویب رسید.

دولت افغانستان مکلف به رعایت اصول اساسنامه‌ی دادگاه جزایی بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس روم است و مطابق اصول این اساسنامه اگر دولت توانایی رسیدگی به پرونده‌ها را نداشته باشد، باید به محققان و نمایندگان این دادگاه برای رسیدگی به پرونده‌ها و شکایت‌ها، اجازه‌ی ورود بدهد. لذا امیدواریم که دولت افغانستان هرچه زودتر تسهیلات لازم را برای ورود نمایندگان این دادگاه فراهم کند.

خادم فایز

سیمای "دولت وحدت ملی" چگونه است؟



پروژه‌ی شهرک هوشمند نشان داد که چقدر در قانون شکنی و نقص قانون دست باز دارد. رضایت‌مندی مردم نیز در مدت یک سال حاکمیت خیلی کاهش یافته است و نظر به ترکیب شخصیت‌های سیاسی‌بی که در شرکت سهامی "حکومت وحدت ملی" شریک اند، نیز مقبولیت آن چنانی ندارد. از این لحاظ وجه ایدئولوژیک دولت نیز نمی‌تواند برای این دولت که در اساس غیرقانونی است، مشروعیت بدست بیاورد.

"دولت‌ها دارای دو چهره‌ی تامین منافع عمومی و خصوصی نیز هستند، یعنی از یک سو خدمات عام‌المنفعه و کاروباره‌های عمومی می‌کنند و از سوی دیگر سیاست‌ها و اقدامات آن‌ها اغلب به سود بخش‌های خاصی از جامعه تمام می‌شود." (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۰۷)

وجه عمومی دولت

"می‌توان کاروباره‌های عمومی دولت را به چهار بخش تقسیم کرد: یکی حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی؛ دوم حل کشمکش‌ها و منازعات؛ سوم کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت و چهارم کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول." (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۰۸) وجه عمومی "حکومت وحدت ملی" نسبتن موفق‌تر به نظر می‌رسد؛ چون از طریق ایجاد حکومتی بنام "وحدت ملی"، بخشی از کشمکش‌ها و منازعات اجتماعی - سیاسی جلوگیری کرد و باعث ایجاد همبستگی اجتماعی - سیاسی شد، اما برعکس، این همبستگی و کاهش منازعات و رقابت‌های سیاسی میان سران "حکومت وحدت ملی" منجر به افزایش اختلافات و کشمکش‌های اجتماعی در جامعه نیز شده است.

اهداف "حکومت وحدت ملی" که همانا رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، افزایش تولید و درآمد ملی بود، نه تنها تحقق نیافت بلکه بدتر نیز شد. از این رو، دولت هنوز نتوانسته است خود را با شرایط اجتماعی افغانستان و جهان وفق دهد.

وجه خصوصی دولت

"در هر جامعه‌ی برخی گروه‌ها در رابطه با دولت دارای موقعیت استراتژیکی و ممتاز هستند، از توانایی‌های مالی بیشتری برخوردارند، با گروه‌های حاکم رابطه‌ی نزدیک‌تری دارند، توانایی اعمال... صفحه‌ی ۳

است. مثلن، قانون منع خشونت علیه زنان و قانون تحصیلات عالی کشور که تا هنوز از سوی مجلس نمایندگان به تصویب نرسیده است، نه بخاطر مغایرت آن با قوانین نافذه‌ی کشور و قوانین بین‌المللی و خلاف منافع ملی، بلکه به خاطر برخوردهای سلیقه‌ی اعضای مجلس به تصویب نرسیده اند.

گاهی هم این اجبار، به شکل دیگری تبارز می‌کند، نه در قالب تفنگ، شمشیر و قوانین بلکه در قالب ایدئولوژی. "اجبار ایدئولوژیک قدرت سه بعدی است. به این معنا که عامل اجبار، قدرت و اراده‌ی خود را در درون دستگاه‌های ایدئولوژیک تعیبه می‌کند و سپس پیامدهای ایدئولوژیک، ذهن طرف اجبار را هدف قرار می‌دهد و او را متقاعد می‌سازد. آنگاه طرف اجبار بر وفق عقاید خودش (به نفع دولت) عمل می‌کند." (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

وجه ایدئولوژیک دولت

همه‌ی دولت‌ها دارای چهره‌ی ایدئولوژیک و مشروعیت‌بخش هستند و در توجیه حکومت خود و اطاعت اتباع دلایل و توجیهاتی می‌آورند. اما ممکن است این ایدئولوژی نیز برای دولت مشروعیت‌بخش نباشد، چون مشروعیت مدرن در مفهوم قانونیت، پذیرش همگانی، محبوبیت، کارآمدی و قرارداد اجتماعی ارزیابی می‌شود. "حکومت وحدت ملی"، نظر به نظرسنجی‌های اخیر، نه تنها قانون‌مدار نیست، بلکه از طریق

در عصر دموکراسی دخالت ارتش در امر حکومت غیرقانونی و خلاف عرف سیاسی تلقی می‌شود. از همین رو، اگر دولت پیش از حد از وجه اجبار استفاده نماید، آنگاه به گفته‌ی آنارشپیست‌ها، دولت زاید و انگلی غیرضروری خواهد بود که بر دوش پیکره‌ی روابط اجتماعی سنگینی می‌کند.

اگر به وجه اجبار ایزاری دولت نگاه کنیم، در می‌یابیم که ارتش، پولیس، زندان و نیروی امنیتی برای به رخ کشاندن وجه اجبار دولت علیه مخالفان مسلح تلاش‌های زیادی را انجام می‌دهند و برای تحمیل اراده‌ی حکومت بر مخالفان دولت گاهی به حدی تشدید می‌شود که فکر می‌کنیم، دولت چیزی نیست جز ارتش، جنگ و فرماندهی. وجه اجبار می‌تواند ساختاری نیز تبارز کند که همان ساختار قوانین و مقررات تعیبه شده است. دولت کتونی، دولتی است که از لحاظ اجبار ساختاری، توانایی تطبیق قوانین نافذه‌ی کشور را بالای شهروندان کشور ندارد. پولیس که مظهر حاکمیت خود قانون شکن و ضد قانون است. چنانچه چندی قبل معاون دوم ریاست جمهوری اذعان داشت که بیشتر قانون شکنی از سوی قوه‌ی ثلثه انجام می‌پذیرد و در خیلی موارد، قوانین در گرو قوه‌ی مقتنه بخاطر دلایل پیش‌پا افتاده و حتا شخصی است...